

Journal iranian political sociology
Vol. 5, No.10, dey 2022

<https://dx.doi.org/10.30510/psi.2022.319273.2789>

Abstract

Recent environmental movements have been involved in politics since the 1980s in order to counter the threats posed by environmental degradation and to take direct action to protect the environment and from the very beginning, they tried to influence the environmental policies of the governments by using peaceful and non-peaceful methods in the form of interest groups and green parties, and the governments reciprocally tried to use the capacity of environmental movements to guide and direct public opinion in order to protect their interests. This study seeks to answer the question, how can recent environmental movements be analyzed in the context of political sociology? Therefore, the present study examines the case study of late environmental movements based on Robert Dahl's theory of political pluralism from the perspective of political sociology with a qualitative and interpretive method. Research findings show that recent environmental movements using democratic methods, in the form of interest groups and green parties, can pose serious challenges to political governance and influence and direct the policies of governments to improve the environment. In contrast, governments seek to use their capacity for political and social purposes by recognizing and strengthening environmental movements. As a result, a two-way relationship has developed between governments and recent environmental movements in which both parties enter into power relations with each other using their own methods and tools.

Keywords: Political Sociology, Recent Environmental Movements, Government, Pluralism.

ماهنامه علمی (مقاله علمی- پژوهشی) جامعه‌شناسی سیاسی ایران،

سال پنجم، شماره ۵۵، دی ۱۴۰۱، صص ۱۸۴۲-۱۸۶۴

<https://dx.doi.org/10.30510/psi.2022.319273.2789>

تحلیل جامعه‌شناختی سیاسی از جنبش‌های زیست‌محیطی متأخر

پروانه عزیزی^۱

مسعود اخوان کاظمی^۲

محمد باقر خرمشاد^۳

محمد ابوالفتحی^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۰۵

چکیده

جنبش‌های زیست‌محیطی متأخر به منظور مقابله با تهدیدات ناشی از تخریب محیط‌زیست و اقدام مستقیم برای حفاظت از محیط‌زیست، از دهه ۱۹۸۰ وارد عرصه سیاست شدند و از همان ابتدا تلاش کردند با استفاده از شیوه‌های مسالمت‌آمیز و غیرمسالمت‌آمیز در قالب گروه‌های ذی‌نفوذ و احزاب سبز سیاست‌های محیط‌زیستی دولت‌ها تأثیرگذار باشند و دولت‌ها نیز متقابلاً تلاش نمودند که از ظرفیت جنبش‌های زیست‌محیطی برای هدایت و جهت‌دهی به افکار عمومی به منظور حفظ منافع خود استفاده کنند.

این پژوهش به دنبال پاسخگویی به این سؤال است که، چگونه می‌توان جنبش‌های زیست‌محیطی متأخر را در قالب جامعه‌شناسی سیاسی تحلیل نمود؟ بنابراین، با روش کیفی و تفسیری شیوه مطالعات موردی جنبش‌های زیست‌محیطی متأخر را بر اساس تئوری پلورالیسم سیاسی رابرت دال از بعد جامعه‌شناسی سیاسی مورد بررسی قرار می‌دهد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که جنبش‌های زیست‌محیطی متأخر با استفاده از روش‌های دموکراتیک، در قالب گروه‌های ذی‌نفوذ و احزاب سبز، می‌توانند حاکمیت‌های سیاسی را با چالش‌هایی جدی مواجه‌سازند و سیاست‌های دولت‌ها را در جهت بهبود وضعیت محیط‌زیست تحت تأثیر و جهت‌دهی خود قرار دهند. در مقابل، دولت‌ها نیز با به رسمیت شناختن و تقویت جنبش‌های زیست‌محیطی تلاش می‌کنند از ظرفیت آنها برای اهداف سیاسی و اجتماعی خود استفاده کنند. در نتیجه یک رابطه دو سویه میان دولت و جنبش‌های زیست‌محیطی متأخر به وجود آمده است که هر کدام از دو طرف رابطه با استفاده از شیوه‌ها و ابزارهای مورد استفاده خود وارد روابط قدرت با یکدیگر می‌شوند.

کلید واژه‌ها: جامعه‌شناسی سیاسی، جنبش‌های زیست‌محیطی متأخر، دولت، پلورالیسم.

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی دانشگاه رازی،^۱

دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه رازی و نویسنده مسئول مقاله^۲

استاد گروه علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی^۳

استادیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه رازی،^۴

در دهه ۱۹۸۰ جنبش‌های زیست‌محیطی متأخر، نقش مهمی در همکاری و مساعدت به دولت برای مقابله با مسائل و مشکلات زیست‌محیطی ایفا کردند. از دیدگاه آنها، دولت‌ها به تنهایی قادر به حل مسائل و مشکلات ناشی از بحران‌های زیست‌محیطی نیستند. بر این اساس، جنبش‌های زیست‌محیطی متأخر در قالب سازمان‌های مردم‌نهاد زیست‌محیطی از طریق همکاری با شرکت‌ها، دولت‌ها و سیاستمداران قصد داشتند آنها را تشویق و وادار کنند که مسائل و معضلات زیست‌محیطی را جدی بگیرند و برای رفع این بحران چاره‌اندیشی کنند. در این دوره، تلاش برای تأثیر گذاری بر سیاست و حکومت به منظور حفاظت و بهبود شرایط محیط‌زیست، زمینه را برای سیاسی شدن جنبش‌های زیست‌محیطی فراهم نمود. از دیدگاه گروه‌های اجتماعی طرفدار محیط‌زیست، افزایش حساسیت عمومی نسبت به وضعیت محیط‌زیست، آن را به معضلی تبدیل نمود که باید اصلاح شود و لازمه اصلاح آن، وادار کردن دولت به پاسخگویی است. از طرفی پیچیدگی، وسعت و حساسیت مسائل زیست‌محیطی به گونه‌ای است که دولت‌ها به تنهایی و با استفاده از امکانات، ابزارهای حقوقی و سنتی متعارف نمی‌توانند برای رفع این معضل چاره‌اندیشی کنند. از اینرو دولت‌ها مجبور هستند در شیوه بر خورد با مسائل زیست‌محیطی، از گروه‌های اجتماعی دیگری که قدرت تأثیر گذاری در حوزه سیاست و اجتماع را دارند، استفاده کنند. از جمله این گروه‌ها می‌توان به جنبش‌های زیست‌محیطی متأخر اشاره نمود که در قالب سازمان‌های مردم‌نهاد زیست‌محیطی فعالیت می‌کنند. از آنجا که در جوامع لیبرال قدرت پدیده متکثر و متنوعی است و بازیگران متعدد و متنوعی در قالب گروه‌ها، انجمن‌ها، کنشگران سیاسی و سازمان‌های مردم‌نهاد می‌توانند وارد عرصه سیاست و قدرت شوند و در این عرصه نقش آفرینی کنند، زمینه برای ورود گروه‌های زیست‌محیطی به عرصه سیاست و ایفای نقش در قالب گروه‌های ذی‌نفوذ و احزاب سیاسی فراهم شد.

با توجه به افزایش مسائل و معضلات زیست‌محیطی و پیامدهای جهانی آن و محدود بودن منابع و امکانات دولت برای رویارویی با مسائل موجود، در آینده دولت‌ها مجبور هستند که در سیاست عملی جایگاهی را برای جنبش‌های زیست‌محیطی متأخر در نظر بگیرند. از اینرو، ضرورت دارد که جنبش‌های زیست‌محیطی متأخر را به عنوان یک نیروی اجتماعی تأثیرگذار در عرصه سیاست و قدرت در حوزه جامعه‌شناسی سیاسی مورد بررسی و تحلیل قرار داد.

هدف از نگارش مقاله بررسی رابطه میان جنبش‌های زیست‌محیطی متأخر و دولت بر اساس تئوری پلورالیسم سیاسی از منظر جامعه‌شناسی سیاسی است. بنابراین چگونگی تعامل و روابط قدرت میان جنبش‌های زیست‌محیطی متأخر و دولت، ابزارها و شیوه‌های مورد استفاده هر کدام از آنها از مواردی است که در این مقاله مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این مقاله، جنبش‌های زیست‌محیطی با دو رویکرد کلان و خرد مورد بررسی قرار می‌گیرد. در رویکرد کلان حضور مستقیم جنبش‌های زیست‌محیطی متأخر در عرصه سیاست در قالب گروه‌های ذی‌نفوذ و احزاب سیاسی مورد بررسی قرار می‌گیرد و در رویکرد خرد رابطه دولت‌ها با جنبش‌های زیست‌محیطی متأخر در سه بخش؛ چرایی، چگونگی و سطوح دخالت دولت‌ها در عرصه‌های زیست‌محیطی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱- پیشینه پژوهش و روش تحقیق

درباره پیشینه پژوهش می‌توان گفت هیچ منبعی با عنوان دقیق پژوهش حاضر وجود ندارد که به شکل دقیق و همه‌جانبه، جنبش‌های زیست‌محیطی متأخر را از بعد جامعه‌شناسی سیاسی و براساس روابط قدرت میان دولت و جنبش‌های

زیست‌محیطی متأخر به عنوان یک گروه اجتماعی جدید مور بررسی قرار دهد؛ اما مقالاتی در زمینه جنبش‌های زیست‌محیطی متأخر وجود دارند که با توجه به اهداف نویسندگان آنها، جنبه‌هایی از این جنبش‌ها مورد بررسی قرار گرفته است. از میان مطالعات انجام گرفته در این زمینه می‌توان به موارد زیر اشاره نمود.

حمیرا مشیرزاده و سیده فاطمه هاشمی، (۱۳۹۰) در مقاله‌ای تحت عنوان "نقش جنبش‌های فراملی در تدبیر جهانی امور زیست‌محیطی"، به بررسی عملکرد جنبش‌های فراملی در عرصه بین‌الملل به منظور مقابله با بحران‌های زیست‌محیطی پرداخته‌اند. از دیدگاه نویسندگان مقاله، جنبش‌های فراملی با استفاده از شیوه‌ی متقاعد سازی یا اقناع سازی توانسته‌اند در تدبیر امور جهانی تأثیر گذار باشند. و از این طریق موفق شده‌اند دولت‌ها را به پذیرش معاهدات جهانی در زمینه حفاظت از محیط‌زیست وادار نمایند همچنین با ایجاد اعتراضات علیه اقدامات ضد محیط‌زیستی نهادهای مالی و تجاری بین‌المللی، شرکت‌های فراملی را وادار به پاسخگویی در مقابل مسائل زیست‌محیطی نموده‌اند.

رضا سیمبر و محمد رفیعی. (۱۳۹۷)، در مقاله‌ای تحت عنوان "ماهیت جنبش‌های زیست‌محیطی در قلمرو اتحادیه اروپا"، به بررسی نقش جنبش‌های زیست‌محیطی در فرآیند تصمیم‌گیری در اتحادیه اروپا بر اساس بسیج منابع می‌پردازند. از دیدگاه نویسندگان مقاله، جنبش‌های زیست‌محیطی از طریق تأثیرگذاری بر فرآیند مذاکرات، بر سیاست‌های زیست‌محیطی اتحادیه اروپا در جهت گسترش قواعد زیست‌محیطی تأثیرگذار هستند.

حسن ناصر خاکی و همکاران. (۱۳۹۸)، در مقاله "تحلیل جنبش‌های جهانی محیط‌زیست در راستای تأثیرگذاری ایران در تدبیر جهانی"، نویسندگان مقاله بر اساس نظرات آلن تورن به مطالعه تطبیقی سه مؤلف هویت، هدف و رقیب در جنبش‌های زیست‌محیطی و انقلاب اسلامی پرداخته‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که امکان بهره‌گیری از جنبش‌های محیط‌زیستی برای حضور ایران در عرصه تدبیر جهانی وجود دارد.

با توجه به موضوع پژوهش روش کیفی تفسیری (مطالعه موردی)، برای این تحقیق انتخاب شده است. ابتدا اطلاعات لازم از طریق مطالعات کتابخانه‌ای، اینترنت، و مقالاتی که در دسترس بوده است، گردآوری شده است سپس اطلاعات به دست آمده مورد تفسیر قرار گرفته است.

۲- چارچوب مفهومی

۲-۱- پلورالیسم^۱

پلورالیسم در لغت به معنای گرایش به کثرت است و در اصطلاح بر برتری چندگانگی بر تک بودن و اولویت تنوع بر همسانی اشاره دارد (مک لنان، ۱۳۸۵: ۴۷). پلورالیسم سیاسی بر تکثر و تنوع منابع قدرت تأکید می‌کند. بر اساس این دیدگاه، دموکراسی‌ها صحنه‌های باز و رقابتی هستند که در آنها، گروه‌ها و منابع مختلف در جامعه بر سر کسب امتیازات سیاسی و نفوذ و تأثیرگذاری بر حکومت با یکدیگر به رقابت می‌پردازند (مک لنان، ۱۳۸۵: ۱۵).

^۱ Pluralism.

از دیدگاه "آندرو هیوود"^۱، در کثرت‌گرایی همه شهروندان در گروه‌هایی عضویت دارند و بسیاری نیز در گروه‌های متعدد عضو خواهند بود؛ برابری تقریبی میان گروه‌ها وجود دارد و هر گروهی به حکومت دسترسی داشته و هیچ گروهی موقعیت برتر ندارد. همچنین، سطح بالایی از پاسخگویی در درون گروه‌ها وجود دارد و رهبران در برابر اعضای خود مسئول هستند. دولت در برابر گروه‌ها، بی‌طرف می‌باشد. اگر چه گروه‌ها بر سر منافع با یکدیگر رقابت می‌کنند، ولی توافقی میان آنها درباره ماهیت سیستم سیاسی و ارزش‌های آزادی در رقابت وجود دارد (هیوود، ۱۳۹۱: ۲۳۰).

۲-۲- پلورالیسم سیاسی رابرت دال

دال یکی از مهمترین نظریه پردازان جامعه‌شناسی سیاسی معاصر در مکتب پلورالیسم است. او در نخستین کتاب خود تحت عنوان «دییچه‌ای بر نظریه دموکراسی»^۲ مفهوم "پلی‌آرشی"^۳ را برای توصیف دموکراسی‌های معاصر به کار برد. پلی‌آرشی به مفهوم تعدد نخبگان حاکم، حد مطلوب مشارکت و رقابت سیاسی را ایجاد می‌کند و از بروز استبداد جلوگیری می‌کند. بر اساس این نظریه، حکومت دموکراسی واقعی نه حکومت اکثریت است و نه حکومت یک اقلیت؛ بلکه حکومت چندین اقلیت است (Dahl, 1971: 78). از اینرو، از دیدگاه دال وجود گروه‌ها و علایق اجتماعی متعدد و متکثر اساس دموکراسی است و دموکراسی را می‌توان به مفهوم دست به دست شدن حکومت میان چندین گروه اقلیت تعریف کرد.

در دهه ۱۹۶۰ میلادی، کتابی به نام «چه کسانی حکومت می‌کنند؟»^۴ توسط رابرت دال منتشر شد. دال در این کتاب به بررسی و شناخت حوزه‌های قدرت در شهر "نیویورک"^۵ آمریکا پرداخت.

بر اساس یافته‌های مذکور، دال به این نتیجه رسید که در شهر مورد مطالعه‌اش، هیچ گروهی در حوزه‌های مختلف تصمیم‌گیری برتری انحصاری ندارد و در هر موضوعی بازیگران متفاوت ظاهر شده و نقش‌های متفاوتی را ایفا نموده‌اند. در نتیجه، قدرت سیاسی میان گروه‌های مختلفی پراکنده است که هر کدام از این گروه‌ها دارای منافع یا علایق مختلف و متعارضی هستند. از اینرو گروه‌های سهم در قدرت، آن را مبادله می‌کنند و برای اتخاذ سیاست‌های الزام‌آور بر حکومت فشار می‌آورند (Dahl, 1961: 76).

جنبش‌های زیست‌محیطی به دو مقطع کلاسیک و متأخر تقسیم می‌شوند. جنبش‌های کلاسیک، در اواسط قرن نوزدهم همزمان با گسترش مراکز صنعتی و تجاری و بروز انواع مشکلات زیست‌محیطی ناشی از آن به وجود آمدند. این جنبش‌ها، با منابع مالی و تعهدات سیاسی نخبگانی ایجاد شدند که در احزاب سیاسی و ارکان قدرت دولت دارای نفوذ بودند. از اینرو، جنبش‌های زیست‌محیطی کلاسیک محافظه‌کار و نماینده گروه‌های کوچکی از نخبگان اجتماعی بالا بودند که خود جزئی از نظم مستقر در جامعه بودند و می‌توانستند بر روند قانونگذاری اعمال نفوذ کنند (ساتن، ۱۳۹۷: ۱۶۷-۱۶۸).

جنبش‌های زیست‌محیطی متأخر، در اوایل دهه ۱۹۸۰ در جوامع کثرت‌گرا به وجود آمدند و شبکه‌های غیر نهادینه شده متشکل از افراد و گروه‌هایی که فاقد وابستگی سازمانی هستند را شکل می‌دهند و انگیزه و هدف کنش دست‌جمعی آن در جهت رفع نگرانی‌های زیست‌محیطی است که دامنه و شدت نگرانی‌های آنها از جایی به جای دیگر می‌تواند متفاوت

^۱. Andrew Heywood.

^۲. A Preface to Democratic Theory.

^۳. Polyarchy.

^۴. Who Governs?

^۵. New Haven.

باشد (Dhondt, 2003: 326). این جنبش‌ها در قالب گروه‌های ذی‌نفوذ خواهان تأثیرگذاری بر سیاست هستند و با ورود مستقیم به عرصه سیاست در قالب حزب سبز نوع جدیدی از سیاست به نام سیاست سبز را ایجاد کردند و از این طریق وارد رابطه قدرت و سیاست با دولت شدند (کاویانی‌راد، ۱۳۸۸: ۲۰). در این مقاله، رابطه و نحوه تعامل میان جنبش‌های زیست‌محیطی متأخر به عنوان یک نیروی اجتماعی جدید و دولت در چارچوب پلورالیسم سیاسی رابرت دال مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳- جنبش‌های زیست‌محیطی و سیاست‌دگروری کلان

در اوایل دهه ۱۹۸۰، نوع متفاوتی از محیط‌زیست‌گرایی ظاهر شد که به سرعت رشد و توسعه یافت. یکی از مهمترین و اصلی‌ترین ویژگی جنبش‌های اجتماعی جدید، ورود آنها به عرصه سیاست است. این جنبش‌ها در قالب گروه‌های ذی‌نفوذ طرفدار محیط‌زیست و احزاب سبز تلاش کردند تا با ورود به عرصه سیاست و قدرت و نقش آفرینی در این عرصه، فرآیند تخریب محیط‌زیست را کاهش دهند. در این بخش از پژوهش، شیوه‌ها و ابزارهای مورد استفاده گروه‌های ذی‌نفوذ طرفدار محیط‌زیست و احزاب سبز، برای حفاظت از محیط‌زیست و همچنین دستاوردهای آنها مورد بررسی و مطالعه قرار می‌گیرند.

۳-۱- گروه‌های ذی‌نفوذ احزاب سبز طرفدار محیط‌زیست

از دیدگاه "دوورژه"، گروه‌های ذی‌نفوذ مستقیماً در به دست گرفتن زمام قدرت و اعمال آن مشارکت نمی‌کنند؛ بلکه ضمن خارج ماندن از قدرت، بر آن تأثیر می‌گذارند و به آن فشار وارد می‌کنند. گروه‌های ذی‌نفوذ در پی آن هستند که بر زمامداران اثر بگذارند، نه اینکه افراد خویش را در رأس قدرت جای دهند (دوورژه، ۱۳۷۶: ۱۷۲-۱۷۳). گروه‌های ذی‌نفوذ برای آنکه بتوانند مؤثر واقع شوند، بر حسب شرایط از ابزارها و شیوه‌های متعدد و متنوعی به منظور نفوذ در قدرت و سیاست استفاده می‌کنند. مهمترین این شیوه‌ها و روش‌ها عبارتند از:

۱- ارتباطات شخصی

۲- رسانه‌های جمعی (مطبوعات)

۳- ائتلاف

۴- احزاب سیاسی

۵- حضور در مراکز خط مشی‌گذاری

۶- تظاهرات اعتراض‌آمیز

۷- اقدامات خشونت‌آمیز و نامشروع (ربیعی مندجین و گیوریان، ۱۳۸۴: ۵۳).

! Interest Groups.

! Green Parties.

! Duverger.

از جدیدترین گروه‌های ذی‌نفوذ، می‌توان به گروه‌های ذی‌نفوذ طرفدار محیط‌زیست اشاره نمود. این گروه‌ها که مهمترین آنها "صلح سبز"^۱، "باشگاه سیرا"^۲ و "دوستان زمین"^۳ هستند، با ورود به عرصه سیاست و قدرت تلاش می‌کنند که با تأثیر و نفوذ بر جامعه و دولت و ایجاد حساسیت در هر دو گروه شرایطی را فراهم کنند که ضمن کاهش فرایند تخریب محیط‌زیست تصمیمات مناسبی در جهت حفاظت از محیط‌زیست توسط دولت و با حمایت جامعه گرفته شود.

گروه‌های ذی‌نفوذ طرفدار محیط‌زیست با استفاده از ابزارها و شیوه‌های متعدد و متنوع و با روش‌های مسالمت آمیز، تلاش کرده‌اند دولت‌مردان را برای اتخاذ سیاست‌های مناسب به منظور حفاظت از محیط‌زیست متقاعد کنند اما دیدگاه‌ها و برنامه‌های آنها از سوی احزاب مورد توجه قرار نگرفت. زیرا، مسائل محیط‌زیست در اولویت برنامه‌های احزاب موجود قرار نداشت. به همین دلیل، گروه‌های ذی‌نفوذ طرفدار محیط‌زیست برای ورود مستقیم به عرصه سیاست و قدرت تصمیم گرفتند که احزاب طرفدار محیط‌زیست را ایجاد نمایند. بدین ترتیب، احزاب سیاسی با تعهد به یک ایدئولوژی اکولوژیکی ایجاد شدند و به طور رسمی عنوان حزب سبز را برای خود انتخاب نمودند (هریسون و بوید، ۱۳۹۲: ۳۸۶).

با ورود مستقیم گروه‌های طرفدار محیط‌زیست به عرصه سیاست، نوع جدیدی از سیاست به نام "سیاست سبز"^۴ به وجود آمده است. سیاست سبز، برخورد جامعه و حکومت با طبیعت را از بعد سیاسی مورد توجه قرار می‌دهد. سیاست سبز چهار رکن دارد: اولین رکن آن، "زیست بوم"^۵ دومین رکن آن، "عدالت اجتماعی"^۶ سومین رکن آن، "دموکراسی ازپایین"^۷ و چهارمین رکن آن، "عدم خشونت"^۸ است (وال، ۱۳۹۴: ۱۲-۱۳).

اولین حزب سیاسی سبز، "گروه اتحاد تا سمانی"^۹ استرالیا است. که در سال ۱۹۷۲ به منظور مقابله با ساخت یک سد بزرگ و به منظور حمایت از جنگل‌های گرمسیری به وجود آمد. در سال ۱۹۸۵ حزب سبزبریتانیا موفق شد کاندیداهای خود را به پارلمان اروپا، شورای شهر لندن و شوراهای محلی بفرستد (وال، ۱۳۹۴: ۱۴).

در میان احزاب سبز اروپا، احزاب سبزآلمان از نظر انتخاباتی موفقتر بوده‌اند. این احزاب توانستند کرسی‌هایی را در مجلس نمایندگان به دست آورند و از سال ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۵ به همراه حزب سوسیال دموکرات آلمان بخشی از ائتلاف دولتی را تشکیل دهند. همچنین حزب سبز استرالیا موفق شد در انتخابات پارلمان کرسی‌هایی را در مجلس ایالتی و سنا به دست آورد. در برزیل نماینده حزب سبز توانست وزیر فرهنگ دولت ائتلافی شود (هریسون و بوید، ۱۳۹۲: ۴۰۳).

حضور احزاب سبز در عرصه سیاست و قدرت به معنای دستیابی جنبش‌های زیست‌محیطی به تمام اهداف، خواسته‌ها و برنامه‌های مورد نظرشان نیست؛ زیرا احزاب سبز به دلیل اقدامات و عملکردشان همواره از سوی گروه‌های ذی‌نفوذ، سیاستمداران و مدیران شرکت‌ها تحت فشار هستند تا خود را با الگوهای سازمانی موجود وفق دهند و سیاست‌های تندروانه خود را تعدیل کنند و از این طریق، مانع از دگرگونی‌های بنیادین سیاسی و اجتماعی شوند (دابسون، ۱۳۷۷: ۲۰۰).

^۱ Green Peace.

^۲ Sierra Club.

^۳ Friends of the Earth .

^۴ Green Politics.

^۵ Biome.

^۶ Social Justice.

^۷ Grassroots Democracy.

^۸ Non-Violence.

^۹ United Tasmania Group.

امروزه احزاب سبز با نفوذ در لایه‌های قدرت و حضور در مجالس قانونگذاری موفق شده‌اند قوانینی را در جهت تجدید فعالیت‌های صنعتی آلوده کننده و سلاح‌های هسته‌ای به تصویب برسانند (کوهستانی سورجانی، ۱۳۹۷: ۶۶). از سال ۱۹۸۴، احزاب سبز در اروپای غربی توانستند در انتخابات پارلمان اروپا پیروز شوند و باعث تصویب قوانینی در حمایت و حفاظت از محیط زیست شوند.

۳-۲- شیوه‌های تأثیر گذاری گروه‌های زیست‌محیطی

۳-۲-۱- استفاده از رسانه‌های جمعی

رسانه‌های جمعی با تأثیر بر افکار عمومی و هدایت آن، نقش جدی در عرصه قدرت بازی می‌کنند. از زمان فعالیت گروه‌های ذی‌نفوذ طرفدار محیط زیست، رسانه‌های جمعی بسیار مورد توجه این گروه‌ها بوده‌اند؛ زیرا رسانه‌های ارتباطی با برجسته‌سازی حوادث و رخدادها، زیست‌محیطی و نحوه تصویر سازی، بر ذهن مخاطب اثر گذاشته و ادراک مخاطب را به سمت و سویی که می‌خواهد هدایت می‌کنند. به عنوان مثال، انتشار کتاب «بهار خاموش»^۱ را شل کارسون^۲ در سال ۱۹۶۲ و ترجمه آن به زبان‌های مختلف، افکار عمومی را در سراسر دنیا نسبت به آلودگی‌های کره زمین حساس نمود. همچنین حوادثی مانند: نیروگاه اتمی "تری مایل یلند پنسیلوانیا"^۳، نشت گاز شیمایی در نیروگاهی در "بوپال"^۴ هند و "فاجعه چرنوبیل"^۵ حساسیت بین‌المللی را در مورد حوادث زیست‌محیطی برانگیختند (عبدی، ۱۳۹۳: ۳۲۵).

گسترش مسائل و معضلات زیست‌محیطی در دوران معاصر باعث شد که رسانه‌های جمعی با هوشیاری و دقت بیشتری روند نگران کننده تخریب محیط زیست را پیگیری کنند و افکار عمومی را به طور مداوم در جریان تحولات زیست‌محیطی قرار دهند؛ به گونه‌ای که امروزه هزاران گزارش خبری، تحلیلی، مقاله، عکس، طرح و فیلم مستند هشدار دهنده در مورد مسائل محیط زیست منتشر می‌شود و در معرض دید عموم قرار می‌گیرد (صالحی و امام‌قلی، ۱۳۹۶: ۱۵۲).

به عقیده هانیگن، در مرحله گذار مشکلات زیست‌محیطی از حالت عادی به یک مسأله و نگرانی سیاسی، قابلیت دید رسانه‌ای بسیار حائز اهمیت است (هانیگن، ۱۳۹۳: ۱۲۹) به عنوان مثال، عکس‌هایی که از فضا در پایان دهه ۱۹۶۰ از زمین گرفته شد، مردم جهان را متوجه این موضوع نمود که همه ما بر روی یک کره خاکی زندگی می‌کنیم و در آن شریکیم. این نوع تفسیر از محیط زیست باعث ایجاد "آگاهی زیست‌محیطی کهکشانی" شد (دبیری و واحد ناوان، ۱۳۹۰: ۱۶۷-۱۶۸).

گروه‌های ذی‌نفوذ طرفدار محیط زیست در آمریکا برای آنکه بتوانند با حمایت افکار عمومی سیاستمداران را تحت فشار قرار دهند و آنها را وادار به تغییر سیاست‌های زیست‌محیطی کنند، از مردم می‌خواهند تا از تخلفات آشکار از قوانین محیط زیستی فیلم بگیرند و فیلم‌های خود را به این گروه‌ها تحویل بدهند. در مرحله بعد، گروه‌های ذی‌نفوذ طرفدار محیط زیست تصاویر ارسالی را منتشر نموده و از این طریق مسئولان را متهم به عدم رعایت قوانین زیست‌محیطی می‌کنند (کاستلز، ۱۳۸۵: ۱۶۶-۱۶۷).

^۱ Silent Spring

^۲ Rachel Carson.

^۳ Three Mile Island.

^۴ Bhopal.

^۵ Chernobyl Disaster.

به طور کلی رسانه‌ها نقش مهمی در تهییج، ترغیب، تشویق و بسیج افکار عمومی دارند. از اینرو گروه‌های ذی‌نفوذ طرفدار محیط‌زیست با استفاده از قدرت رسانه‌ها تلاش می‌کنند تا مسائل و معضلات زیست‌محیطی را به طور مداوم به نمایش عموم بگذارند و مردم را نسبت به مسائل زیست‌محیطی حساس نمایند و از این طریق افکار عمومی را در جهت موافقت یا مخالفت با سیاست دولت‌ها در زمینه مسائل و برنامه‌های مربوط به محیط‌زیست به سمت و سوی که مورد نظر خودشان هست، هدایت کنند (دبیری و واحد ناوان، ۱۳۹۰: ۱۷۲) و از این طریق از دولت امتیاز بگیرند و یا خواسته‌های خود را به سیاستمداران تحمیل کنند. همچنین حضور و فعالیت مداوم گروه‌های زیست‌محیطی در رسانه‌ها به آنها مشروعیتی بیش از دیگر جنبش‌ها می‌دهد (کاستلز، ۱۳۸۵: ۱۶۱-۱۶۶).

۳-۲-۲- ائتلاف با سایر گروه‌ها

گاهی اوقات گروه‌های ذی‌نفوذ به این نتیجه می‌رسند که به تنهایی قادر به اعمال نفوذ نیستند. از اینرو این گروه‌ها با سایر گروه‌های ذی‌نفوذ، که اهداف و برنامه‌مشابهی با آنها دارند، برای رسیدن به اهداف مشترک، با یکدیگر ائتلاف می‌کنند. به عنوان مثال، می‌توان به ائتلافی از گروه‌های ذی‌نفوذ زیست‌محیطی آمریکا، کانادا و شیلی علیه تصویب معاهدات "تجارت آزاد آمریکای شمالی" اشاره کرد؛ زیرا در معاهده مذکور پیش‌بینی‌های لازم برای حفاظت از محیط‌زیست صورت نگرفته بود (دبیری و واحد ناوان، ۱۳۹۰: ۱۷۱). همچنین می‌توان به ائتلاف "صندوق جهانی حیات وحش"؛^۲ دوستان زمین و صلح سبز اشاره نمود. که موفق شدند اتحادیه اروپا را در زمینه تدوین قوانین در حوزه مسائل مربوط به محیط‌زیست تحت فشار قرار داده و در اقدامی دیگر باعث تغییر سیاست‌های بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و سازمان تجارت جهانی شدند؛ به گونه‌ای که امروزه سازمان‌های مذکور تلاش می‌کنند که در تصمیمات و دستورالعمل‌های خود به محیط‌زیست توجه کنند (Van Der Heijden, 2006: 29).

۳-۲-۳- همکاری با احزاب سیاسی

سرعت تخریب محیط‌زیست، همراه با فعالیت گسترده جنبش‌های زیست‌محیطی برای مقابله با وضع موجود، زمینه را برای نفوذ طرفداران محیط‌زیست در سیاست فراهم نمود. پس از معرفی نامزدهای انتخاباتی توسط احزاب سیاسی، گروه‌های ذی‌نفوذ طرفدار محیط‌زیست صلاحیت نامزدهای سیاسی و برنامه‌های ارائه شده توسط آنها را در زمینه محیط‌زیست بررسی می‌کنند و سپس تصمیم می‌گیرند که از کدام نامزد حمایت کنند و با کدام نامزد مخالفت کنند (کاویانی‌راد، ۱۳۸۸: ۲۱). همچنین این گروه‌ها از توانایی خود برای بسیج همگانی استفاده می‌کند و تلاش می‌کند با ترغیب مردم به شرکت در انتخابات، امکان پیروزی طرفداران محیط‌زیست را در انتخابات افزایش دهد.

۳-۲-۴- حضور در مراکز خط‌مشی‌گذاری

در این بخش، اقدامات گروه‌های ذی‌نفوذ طرفدار محیط‌زیست در قوه مقننه و مجریه به منظور حمایت از محیط‌زیست مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۳-۲-۴-۱- قوه مقننه: گروه‌های ذی‌نفوذ طرفدار محیط‌زیست، با نفوذ در مجالس قانونگذاری و ارتباط با نمایندگان مجلس و اعمال نفوذ بر آنها نقش مهمی در تدوین، جهت‌دهی و تغییر قوانین دارند. همچنین در برخی موارد، قانونگذار رسماً اجازه حضور و اظهار نظر در مورد مسائل محیط‌زیست را به گروه‌های ذی‌نفوذ طرفدار محیط‌زیست می‌دهد. به

^۱ NAFTA.

^۲ WWF.

عنوان مثال، در درون پارلمان مجارستان کمیسیونی برای حمایت از گروه‌های ذی‌نفوذ طرفدار محیط‌زیست وجود دارد که به نمایندگان اجازه می‌دهد که در موضوعات مختلف مرتبط با منافع عمومی، پیشنهادات خود را مطرح نمایند. همچنین در کشور اسلواکی گروه‌های ذی‌نفوذ امکان پیشنهاد طرح به مجلس و اصلاح قوانین را دارند (Badruddin, 2015: 66).

۳-۲-۴-۲- قوه مجریه: یکی از کارکردهای گروه‌های ذی‌نفوذ طرفدار محیط‌زیست، نظارت بر عملکرد قوه مجریه و تأثیرگذاری بر این قوه از طریق ارتباط با مجریان و برنامه‌ریزان و سیاستمدارانی است که در تدوین و اجرای سیاست‌های عمومی نقش آفرینی می‌کنند. آنها همچنین در برخی موارد، اقدامات و برنامه‌های دولت را در زمینه محیط‌زیست به چالش کشیده و دولتمردان را وادار به پاسخگویی می‌کنند. در کشور هند، گروه‌های ذی‌نفوذ طرفدار محیط‌زیست می‌توانند پیشنهادات و نقطه نظرات خود در مورد شیوه حل مشکلات زیست‌محیطی به طور رسمی به دولت ارائه دهند و ضمن نظارت بر فعالیت‌های دولتی می‌توانند دولت را وادار به پاسخگویی در امور مربوط به محیط‌زیست نمایند (Honkala, 2010: 306). همچنین گروه‌های ذی‌نفوذ در مواردی، از دولت به دلیل فعالیت‌های مربوط به تخریب محیط‌زیست و یا نادیده گرفتن مسائل زیست‌محیطی، به قوه قضاییه شکایت نموده‌اند. به عنوان مثال، در فرانسه گروه‌های ذی‌نفوذ طرفدار محیط‌زیست، از دولت خود به دستگاه قضایی شکایت کردند. در مقابل، رئیس‌جمهور فرانسه شرکت در "نشست سیاره زمین" تلاش کرد رضایت گروه‌های ذی‌نفوذ طرفدار محیط‌زیست را جلب کند (<http://www.iribnews.ir>).

علاوه بر بعد داخلی، گروه‌های ذی‌نفوذ طرفدار محیط‌زیست تلاش می‌کنند در بعد بین‌المللی بر دولت‌ها تأثیر گذار باشند و آنها را وادار نمایند که بخاطر حفاظت از محیط‌زیست معاهدات بین‌المللی را بپذیرند. به عنوان مثال، در نتیجه فعالیت گروه صلح سبز، سرانجام فرانسه، انگلیس، آمریکا، روسیه و چین متعهد شدند تا معاهده ممنوعیت جامع آزمایش‌های هسته‌ای را امضا کنند. همچنین در سال ۲۰۰۴ صلح سبز و دوستان زمین از طریق اعمال فشار بر روسیه موفق شدند، روسیه را وادار به پذیرش "پروتکل کیوتو" در زمینه تغییرات آب و هوایی نمایند (Timmer, 2009: 247).

۳-۲-۵- اقدامات نمادین

از اوایل دهه ۱۹۸۰ میلادی، بسیاری از گروه‌های ذی‌نفوذ طرفدار محیط‌زیست، اقدام به فعالیت‌های نمادین نموده‌اند. هدف اصلی فعالان محیط‌زیست از انجام اقدامات نمادین، به وجود آوردن یا آفریدن رویدادهایی برای تحریک، تهییج، و برانگیختن افکار و احساسات عمومی نسبت به مسائل زیست‌محیطی است تا با اقدامات افشاگرانه خود بر دولت‌ها، سازمان‌ها و یا شرکت‌های خصوصی فشار وارد کنند و مانع از انجام فعالیت‌هایی شوند که باعث آلودگی و تخریب محیط‌زیست می‌شود (تقی‌زاده انصاری، ۱۳۸۷: ۲۰-۱۹).

از جمله اقدامات این گروه‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: تحمل بازداشت در زندان، به خطر انداختن زندگی خود در اقیانوس، زنجیر کردن خود به درختان، ایجاد سد انسانی برای جلوگیری از ساخته شدن تأسیسات نامطلوب، برهم زدن مراسم رسمی و مواردی دیگر. برخی از فعالیت‌های نمادین، با همراهی افکار عمومی و پوشش رسانه‌ای بسیار موفقیت‌آمیز بوده‌اند؛ به عنوان مثال می‌توان به اقدام گروه "فعالان بادیه نشین" اشاره نمود. این گروه به منظور توقف عملیات سد سازی

۱ Kyoto Protocol.

۲ Nomadic Action Group (NAG).

بر روی "رودخانه فرانکلین" در جنوب غربی تاسمانی، اقدام به محاصره آن منطقه نمودند. و سرانجام آنها موفق شدند دولت را وادار نمایند که عملیات سد سازی را متوقف کند (ساتن، ۱۳۹۷: ۱۷۶-۱۷۷).

۳-۲-۶- تظاهرات اعتراض آمیز

یکی دیگر از شیوه‌هایی که گروه‌های ذی‌نفوذ طرفدار محیط زیست برای مقابله با تخریب محیط زیست و وادار کردن دولت به پذیرش خواسته‌هایشان از آن استفاده می‌کنند، تظاهرات اعتراض آمیز است. ساخت نیروگاه‌های هسته‌ای در اروپا، با تظاهرات، اعتراض و مخالفت مردم روبرو شد. گسترش شرکت راه‌آهن و قطار سریع‌السیر به علت آلودگی صدا، با تظاهرات گسترده مردم و ساکنین محلی که در مسیر شبکه ریلی قرار داشتند، روبرو شد. دفن زباله‌های شیمیایی و اتمی نیز با مخالفت مردم و تظاهرات گسترده مواجه گردید. آزمایشات اتمی هم در تمام نقاط اروپا با مخالفت‌های گسترده و تظاهرات مردمی روبرو گردید (پاپلی یزدی، ۱۳۷۴: ۱۳).

۳-۲-۷- اقدامات خشونت آمیز و غیرقانونی

کوشش برای کسب قدرت از طریق زور و اجبار جزء روش‌های طبیعی و متداول گروه‌های ذی‌نفوذ نیست؛ اما برخی از اشکال خشونت ممکن است در چارچوب اقدامات گروه‌های ذی‌نفوذ قرار گیرند؛ یعنی خشونت‌هایی که هدف از آنها از یک سو، جهت دهی و اثر گذاری بر روی افکار عمومی به منظور دستیابی به اهداف خود است (رحمان‌زاده، ۱۳۸۹: ۵-۱۵) و از سوی دیگر، تلاش می‌کنند تا حکومت را وادار به تسلیم در برابر خواسته‌های خود نمایند.

گروه‌های ذی‌نفوذ طرفدار محیط زیست با حضور در فضای مجازی از طریق فناوری‌های نوین ارتباطی از یک سو، با بسیج شهروندان و اعتراض نسبت به سیاست‌های محلی، ملی و جهانی چالش‌ها و مخالفت‌هایی جدی، برای حکومت و سازمان‌های بین‌المللی دولت ایجاد کرده‌اند و از سوی دیگر، این امکان برای جنبش‌های زیست‌محیطی به عنوان بازیگران مهم جامعه مدنی جهانی فراهم شده است تا نسبت به وضعیت نامطلوب زیست‌محیطی جهان اعتراض کنند (سردار نیا، ۱۳۸۸: ۱۵۷).

همچنین گروه‌های ذی‌نفوذ طرفدار محیط زیست از ابزارهای نوین ارتباطی مانند اینترنت و تلفن‌های همراه، برای کنش‌های سیاسی و سازمان‌دهی‌های سیاسی همچون گردهمایی‌های خودجوش، ازدحام‌های بزرگ و اعتراض‌های ناگهانی و گاه خشن استفاده می‌کنند. زمانی که اعتراض‌های زیست‌محیطی صورت می‌گیرند، گروه‌های ذی‌نفوذ طرفدار محیط زیست فیلم این اعتراض‌ها را در رسانه‌ها به نمایش می‌گذارند و همین اطلاع‌رسانی بر حجم و دامنه اعتراض‌ها می‌افزاید (Rheing, hold, 2002: 257).

۴- سیاست و جنبش‌های زیست‌محیطی در رویکردی خرد

امروزه بحران‌های زیست‌محیطی و نابودی منابع طبیعی یکی از مهمترین چالش‌های دولت‌ها در قرن بیست و یکم است که به طرز نگران‌کننده‌ای زندگی انسان‌ها را تهدید و به مخاطره انداخته است. علی‌رغم اقدامات دولت‌ها برای کنترل عوامل تهدید و تخریب محیط زیست، هنوز بحران‌های زیست‌محیطی زندگی انسان‌ها و سایر موجودات زنده را در نقاط مختلف جهان

۱. Franklin River.

تهدید می‌کنند؛ زیرا دولت‌ها از دانش، منابع مالی و انعطاف سازمانی لازم برای مقابله با تهدیدات مذکور برخوردار نیستند. از اینرو، همکاری دولت‌ها با جنبش‌های زیست‌محیطی و استفاده از ظرفیت‌های این سازمانها توسط دولت، به ضرورتی انکارناپذیر تبدیل شده است. در این بخش از پژوهش، چرایی، چگونگی و سطوح دخالت دولت‌ها در عرصه‌های زیست‌محیطی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۴-۱- چرایی دخالت دولت‌ها در عرصه‌های زیست‌محیطی

بحران محیط‌زیست مهمترین مسأله‌ای است که امنیت و مشروعیت دولت‌ها را به مخاطره انداخته است. دولت‌ها ابزار و امکانات کافی برای رویارویی و حل همه بحران‌های زیست‌محیطی موجود را ندارند؛ به همین دلیل آنها تمایل دارند با بهره‌گیری از ابزارها و امکانات سازمان‌های مردم‌نهاد زیست‌محیطی ضمن حل بحران موجود، امنیت، مشروعیت و ثبات حکومت را حفظ کنند. از دیدگاه دولتمردان، همکاری بین دولت و سازمان‌های مردم‌نهاد غیر دولتی باعث تقویت سرمایه اجتماعی، ارتقاء سطح دانش افراد، افزایش مشارکت عمومی، کسب مشروعیت و حمایت عمومی، پذیرش هنجارهای جدید، حفظ امنیت دولت و افزایش مشروعیت حکومت می‌شود.

۴-۱-۱- تقویت سرمایه اجتماعی^۱

از دیدگاه "پاتنام"^۲، سرمایه اجتماعی آن دسته از ویژگی‌های زندگی اجتماعی، شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد است که مشارکت‌کنندگان را قادر می‌سازد تا به شیوه‌هایی مؤثرتر اهداف مشترک خود را تعقیب نمایند. به عبارت دقیقتر، سرمایه اجتماعی از طریق افزایش هزینه‌های بالقوه، تقویت هنجارهای مستحکم بده بستان، تسهیل جریان اطلاعات از جمله اطلاعات مربوط به شرکت‌کنندگان، و تجسم موفقیت‌های گذشته، سعی دارد به تحقق کنش جمعی کمک کند (رهبر و حیدری، ۱۳۹۰: ۲۲۶). سرمایه اجتماعی از مؤلفه‌های "اعتماد اجتماعی"^۳، "انسجام اجتماعی"^۴، "مشارکت اجتماعی"^۵ و "امنیت اجتماعی"^۶ تشکیل شده است. این مؤلفه‌ها در تعامل با یکدیگر قرار دارند و یکدیگر را تقویت می‌کنند (بخشی و دیگران، ۱۳۹۶: ۴۵۵).

سازمان‌های مردم‌نهاد زیست‌محیطی با جلب مشارکت مردم، بالا بردن سطح آگاهی‌های زیست‌محیطی جامعه، درگیر کردن مردم در مسائل زیست‌محیطی، رایزنی و مشاوره با آنها و دادن قدرت و اختیار به مردم، باعث افزایش سرمایه اجتماعی می‌شوند که نتیجه آن، ارتقاء رفتارهای مسئولانه مردم نسبت به محیط‌زیست است. علاوه بر این، استفاده از کارکردها و آثار سرمایه اجتماعی توسط سازمان‌های مردم‌نهاد زیست‌محیطی، باعث کاهش اشتباهات دولتی، تقلیل هزینه‌های دولتی، کاهش تضاد بین رشد اقتصادی و امنیت زیست‌محیطی، افزایش رضایت عمومی و ارتباط مستمر و متقابل بین مردم و دولت می‌شود.

^۱ Social Capital.

^۲ Putnam.

^۳ Social Trust.

^۴ Social Cohesion.

^۵ Social Participation.

^۶ Societal Security.

نتیجه چنین ارتباطی، افزایش اعتماد، مشارکت و آگاهی در سطح جامعه، تقویت شبکه‌های اجتماعی، ارتقاء همبستگی و تعهدات شهروندان به نظام سیاسی و اطاعت آگاهانه شهروندان از نظام سیاسی است (صالحی و دیگران، ۱۳۹۴: ۳۶).

۴-۱-۲- ارتقاء سطح دانش افراد جامعه

سازمان‌های مردم‌نهاد زیست‌محیطی با ارتقاء "سواد زیست‌محیطی" شهروندان از طریق آموزش می‌توانند به جلب و جذب گروه‌های متعدد و متنوع قومیتی، فرهنگی، سنی و فکری در جامعه بپردازند و از این طریق، باعث افزایش مشارکت مدنی، سیاسی و اجتماعی شهروندان در جامعه شوند. سواد زیست‌محیطی، درجات متنوعی از مؤلفه‌های دانشی و شناخت طیف گسترده‌ای از مفاهیم زیست‌محیطی، مشکلات و مسائل زیست‌محیطی، مجموعه‌ای از ابعاد ارزشی و عاطفی، مهارت‌ها و توانایی‌های شناختی و استراتژی‌های رفتار مناسب برای اعمال آنها و اتخاذ تصمیمات مؤثر و طیف وسیعی از زمینه‌های زیست‌محیطی را در بر می‌گیرد و فرد باید بداند چگونه توانایی‌هایش را برای تغییرات در جامعه و هو شیار ساختن دیگران و قضاوت و تصمیمات آگاهانه به کار گیرد (سلیمان پورعمران و دیگران، ۱۳۹۴: ۲۹).

۴-۱-۳- افزایش مشارکت عمومی

مشارکت عمومی در سازمان‌های مردم‌نهاد زیست‌محیطی به این معناست که این سازمان‌ها فرصت داشته باشند نظر خود را در تصمیم‌گیری درباره مسائلی که می‌توانند یا احتمال دارد بر محیط زیست اثر بگذارند، از جمله در تصویب و اجرای قوانین، سیاست‌ها و دستورالعمل‌های مربوط به حفاظت از محیط زیست، بیان کنند (جم، ۱۳۸۸: ۱۶-۱۷). همچنین، این سازمان‌ها می‌توانند مطالبات عمومی را در زمینه محیط زیست و حفاظت از محیط زیست بیان کنند و دخالت مردم در اداره کشور را از طریق هدایت مردم به شرکت در مراسمات نمادین، نشست‌ها، نامه‌نگاری، انتشار خبرنامه و نشریه افزایش داده و به پویاتر شدن آنان کمک کنند (ویسی و مجدالدین، ۱۳۸۹: ۹۶).

۴-۱-۴- کسب مشروعیت و حمایت عمومی

شهروندان و سازمان‌های مردم‌نهاد زیست‌محیطی، اغلب به دولت‌ها بدبین هستند و معتقدند که دولت‌ها عمدتاً تحت تأثیر منافع سیاسی و اقتصادی قرار دارند. از طرفی، چالش‌های ارزشی‌ای که دولت‌ها با آنها مواجه هستند و به ویژه اهمیت توجه به الزامات محلی در تصمیم‌گیری‌های محیط زیستی، گرایش دولت‌ها به سمت مشارکت با سازمان‌های مردم‌نهاد زیست‌محیطی را افزایش داده است؛ سپردن تصمیم‌گیری در امور به سازمان‌های مردم‌نهاد زیست‌محیطی، و یا فراهم آوردن امکان پیگیری قضایی و طرح دعوا به سایر ذی‌نفعان این حوزه، می‌تواند مقامات اداری و دولت‌ها را از عوارض یک اقدام مورد مناقشه سیاسی در امان نگه دارد (مه‌دوی و علی‌نژاد، ۱۳۹۵: ۱۰۳).

۴-۱-۵- پذیرش هنجارهای جدید (هنجار سازی)

سازمان‌های مردم‌نهاد زیست‌محیطی می‌توانند بستر مناسبی را برای شکل‌گیری و آمادگی افکار عمومی ملی و بین‌المللی برای پذیرش هنجارهای جدید فراهم کنند. این سازمان‌ها از طریق شناسایی، معرفی و قاعده‌مندسازی قوانین در جامعه و آشنا کردن شهروندان با قوانین و رعایت آنها، برای نظم بخشی به جامعه و روابط اجتماعی می‌توانند از طریق ابزارها و روش‌هایی که در اختیار دارند، نقشی اساسی را ایفا نمایند (نژندی منش و عبداللهی اصل، ۱۳۹۴: ۱۶-۱۸).

۴-۱-۶- حفظ امنیت دولت

۱. Environmental Literacy.

کمیابی زیست‌محیطی، می‌تواند باعث تقویت شکاف‌های اجتماعی گردد و اشکال جدیدی از تعارضات قومی، مذهبی و طبقاتی را به وجود آورد. تخریب محیط‌زیست، مشروعیت حکومت و نهادهای اجتماعی را تحت الشعاع قرار می‌دهد و منجر به تشدید خشونت سیاسی می‌گردد (قوام، ۱۳۸۴: ۱۷).

معضلات امنیتی ناشی از پیامدهای تخریب محیط‌زیست به صورتی در آمده‌اند که اقدامات دولت‌ها به تنهایی نمی‌تواند برای حل آنها کافی باشند. از اینرو، سازمان‌های مردم‌نهاد زیست‌محیطی می‌توانند پتانسیل خوبی برای بسیج منابع و امکانات کشور در رفع آسیب‌ها و تهدیدات امنیتی داشته باشند و با اجرای امور اصلاحی، نقش تقویت دولت و حل منازعات را برعهده بگیرند (پورعزت و دیگران، ۱۳۹۶: ۹۳).

۴-۱-۷- افزایش مشروعیت حکومت

افزایش مسائل زیست‌محیطی باعث افزایش در خواست‌ها و توقعات شهروندان از دولت می‌شود و در شرایطی که دولت از ظرفیت لازم برای پاسخگویی به انتظارات مزبور برخوردار نباشد، باعث سست شدن پیوند میان جامعه و دولت و در نتیجه کاهش مشروعیت دولت می‌شوند. حضور گسترده سازمان‌های مردم‌نهاد زیست‌محیطی در تصمیم‌گیری‌های چند جانبه زیست‌محیطی می‌تواند در مشروعیت بخشیدن به حاکمیت مؤثر باشد و وضعیت آن را بهبود بخشد (قوام، ۱۳۸۴: ۱۶).

۴-۲- چگونگی دخالت دولت‌ها در عرصه‌های زیست‌محیطی

روابط دولت و سازمان‌های مردم‌نهاد، موافقان و مخالفانی دارد. با این وجود، هر دو گروه، این روابط را اجتناب‌ناپذیر می‌دانند. در بررسی رابطه دولت با سازمان‌های مردم‌نهاد زیست‌محیطی، راهبردهای دولت در مقابل این سازمان‌ها به چند دسته تقسیم می‌شوند که عبارتند از: "تقویت و به رسمیت شناختن"، "حمایت"، "همکاری"، "تحمل (مدارا)"، "جذب نیروهای مخالف"، "رقابت"، "مانع تراشی"، "برچسب زدن" و "سرکوب".

۴-۲-۱- تقویت و به رسمیت شناختن:

پپیچیدگی و وسعت مسائل زیست‌محیطی باعث شده است که ابزارهای حقوقی متعارف و سنتی به تنهایی نتوانند پاسخ مناسبی برای حل بحران‌های موجود ارائه دهند. از اینرو، دولت‌ها با تقویت و به رسمیت شناختن سازمان‌های مردم‌نهاد زیست‌محیطی تلاش می‌کنند تا با استفاده از ظرفیت این سازمان‌ها، پاسخ مناسب و کارآمدی به انواع مشکلات زیست‌محیطی ارائه دهند (رمضانی قوام آبادی، ۱۳۹۰: ۲۰۴).

۴-۲-۲- حمایت:

دولت از طریق دادن طرح و پروژه‌های کاری به سازمان‌های مردم‌نهاد زیست‌محیطی، یا از طریق در اختیار گذاشتن امکاناتی مانند وسایل نقلیه و یا محل استقرار، به آنها کمک می‌کند (بحرینی و امینی، ۱۳۷۹: ۴۴). همچنین دولت از طریق

۱) Protection.

۲) Cooperation.

۳) Toleration.

۴) Cooptation.

۵) Obsrtuction.

۶) Name-Calling

۷) Repression.

قانونگذاری، تنظیم مقررات مستقیم، دگرگونی در نظام مالیاتی، اعطای یارانه‌ها، کمک‌های بلاعوض، اعطای وام، از سازمان‌های مردم‌نهاد زیست‌محیطی حمایت می‌کند (دابسون، ۱۳۷۷: ۱۷۰).

۴-۲-۳- همکاری:

همکاری دولت و سازمان‌های مردم‌نهاد زیست‌محیطی معمولاً در سه زمینه صورت می‌گیرد که عبارتند از: اطلاعات، منابع و اقدام مشترک

۴-۲-۳-۱- اطلاعات: بدون دسترسی به اطلاعات محیط‌زیست، برنامه‌ریزی و دادن مشورت به دولت برای مدیریت و حفاظت از محیط‌زیست توسط سازمان‌های مردم‌نهاد زیست‌محیطی غیر ممکن است. از اینرو، دولت‌ها حق دسترسی به اطلاعات زیست‌محیطی را برای سازمان‌های مذکور فراهم کرده‌اند. حق دسترسی به اطلاعات زیست‌محیطی، شامل آگاهی از وضعیت محیط‌زیست، آگاهی از سیاست‌ها و اقداماتی است که می‌توانند بر سلامت انسانی و محیط‌زیست تأثیرگذار باشند (حسینی و محمدی، ۱۳۹۶: ۱۴۳).

۴-۲-۳-۲- منابع: دولت‌ها اطلاعات، تربیون‌های آزاد، حمایت مادی را در اختیار سازمان‌های مردم‌نهاد زیست‌محیطی قرار می‌دهند و گاهیدر اجرای اموری که خود ناتوان از انجام آن است و برای آن سرمایه اجتماعی لازم را ندارد، به خصوص در مشروعیت بخشی به خط‌مشی‌های خود، از ظرفیت سازمان‌های مردم‌نهاد زیست‌محیطی استفاده می‌کند؛ زیرا آنها مورد اعتماد مردم هستند (رهبر و حیدری، ۱۳۹۰: ۲۳۰).

۴-۲-۳-۳- اقدام مشترک: در زمینه اقدام مشترک، دولت‌ها می‌توانند برای سازمان‌های مردم‌نهاد زیست‌محیطی در زمینه سیاست‌گذاری، قانونگذاری و پیشنهاد قوانین مربوط به حوزه محیط‌زیست، نقش‌های جدی در نظر بگیرند. امروزه در برخی از کشورها سازمان‌های مردم‌نهاد زیست‌محیطی در فرآیند تدوین و طراحی قوانین مرتبط با محیط‌زیست مورد مشورت قرار می‌گیرند (Delisle, 2005: 18).

دولت می‌تواند در مواردی که خط‌مشی مصوب یک دستگاه دولتی، مغایر با اهداف و منافع سازمان دولتی دیگر است، تمایل به همکاری و حمایت از سازمان‌های مردم‌نهاد زیست‌محیطی داشته باشد؛ زیرا در این موارد، دولت به طور مستقیم امکان مخالفت با این خط‌مشی را ندارد؛ اما اقدامات سازمان‌های مردم‌نهاد زیست‌محیطی در این زمینه می‌تواند مؤثر باشد (رهبر و حیدری، ۱۳۹۰: ۲۳۰).

۴-۲-۴- جذب نیروهای مخالف:

دولت، رهبران سازمان‌های مردم‌نهاد زیست‌محیطی را در درون خود جذب می‌کند و در یک بدنه سیاسی، مشورتی یا قانونگذاری، در متن دستگاه دولتی منصوب می‌کند (پورعزت و دیگران، ۱۳۹۶: ۹۸). همچنین گاهی اوقات نظام‌های ایدئولوژیک، به دلیل نیاز به ادامه حیات در جامعه بین‌الملل و ممانعت از منزوی شدن در نظام بین‌الملل، مجبور هستند سیاست‌هایی را اتخاذ کنند که مورد توجه نظام بین‌الملل قرار گیرند. در این صورت، در کنار توجه به مردم، محیط‌زیست را نیز مورد توجه قرار می‌دهند (بحرینی و امینی، ۱۳۷۹: ۳۶).

۴-۲-۵- مانع تراشی:

در نظام‌های اقتدارگرا، دولت با استفاده از ابزارهای قانونی و غیر قانونی بر سر راه سازمان‌های مردم‌نهاد مانع تراشی می‌کند و از طریق فشارهای سیاسی، مانع گسترش آنها می‌شود. همچنین، گاهی دولت‌ها مانع از ایجاد تشکل‌های زیست‌محیطی توسط طرفداران محیط‌زیست می‌شوند (لارنا و دیگران، ۱۳۸۹: ۳۱۹-۳۲۶).

در بسیاری از موارد، نوع فعالیت‌سازمان‌های مردم نهاد زیست‌محیطی، عملکرد موفقیت‌آمیز آنها در زمینه حفاظت از محیط‌زیست، میزان محبوبیت آنها در میان افکار عمومی و توان این سازمان‌ها در بسیج افکار عمومی، باعث می‌شود که دولت‌ها این سازمان‌ها را رقیب خود بدانند. از اینرو، برای حضور آنها و اقدامات‌شان در عرصه اجتماع، مانع تراشی می‌کنند. در چنین شرایطی، دولت‌ها به سختی برای فعالیت این سازمان‌ها مجوز صادر می‌کنند و یا از ارائه اطلاعات لازم به سازمان‌های زیست‌محیطی خودداری می‌کنند (پورعزت و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۰۲).

۴-۲-۶- برچسب زدن:

گاهی اوقات ممکن است بخش‌هایی از حاکمیت، مانند دولت یا مجلس قانونگذاری، فعالیت سازمان‌های مردم نهاد زیست‌محیطی را تهدیدی برای امنیت خود تلقی کنند و احساس کنند که این سازمان‌ها قدرت سیاسی آنها را به مخاطره می‌اندازند (Clark, 1993). در چنین شرایطی، دولت‌ها نگرانی‌های خود از فعالیت‌ها و نفوذ سازمان‌های مردم نهاد زیست‌محیطی را با زدن برچسب به آنها مخفی می‌کنند؛ لذا گاهی آنها را متهم به فعالیت علیه امنیت ملی می‌کنند، و حتی در مواردی، به این سازمان‌ها برچسب عوامل بیگانه و جاسوس بودن می‌زنند. همچنین، گاهی فعالیت‌ها و مطالبات سازمان‌های مذکور را خارج از چارچوب ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی معرفی می‌کنند و مشروعیت آنها را زیر سؤال می‌برند (پورعزت و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۰۱-۱۰۳).

۴-۲-۷- سرکوب و برخورد خشونت‌آمیز:

سرکوب یا غیرقانونی اعلام کردن سازمان‌های مردم نهاد نیز گاهی به دلیل برخی فعالیت‌های آنها صورت می‌گیرد. گاهی اوقات دولت‌ها ناچارند خود به یکی از ناقضان محیط‌زیست تبدیل گردند. زمانی که اکثر صنایع، فعالیت‌های تولیدی و اقتصادی در اختیار و تحت کنترل دولت باشد و اکثر فعالیت‌های مذکور آلوده‌کننده محیط‌زیست باشند، تلاش سازمان‌های مردم نهاد زیست‌محیطی در مبارزه با آلودگی و جلوگیری از تخریب محیط‌زیست، به رویارویی آنها با دولت منتهی می‌شود و گاهی اوقات بقای این سازمان‌ها را به مخاطره می‌اندازد (عبداللهی و ایمان، ۱۳۸۵: ۲۹۳-۲۹۴).

از جمله نمونه‌های اقدامات خشونت‌آمیز دولت‌ها بر علیه سازمان‌های مردم نهاد زیست‌محیطی می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱- جنبش اکولوژی در مجارستان، در اواسط دهه ۱۹۸۰ در اعتراض به "پروژه برق دانوب" به وجود آمد. گروه‌های زیست‌محیطی مانند "گروه‌های آبی"، "دوستان دانوب"، "اتحاد برای دانوب" و... به دلیل تبعات خطرناک زیست‌محیطی این پروژه، با آن به مخالفت برخاستند از دیدگاه فعالان زیست‌محیطی، پروژه مذکور گیاهان نایاب و جانوران را در منطقه محل پروژه در معرض خطر قرار می‌داد؛ همچنین تأمین آب آشامیدنی را برای ساکنان آن منطقه مورد تهدید قرار می‌داد. دولت در مقابل، به اقدامات آنها واکنش تندی نشان داد، فعالان زیست‌محیطی را از سمت‌هایشان برکنار نمود، تلاش محیط‌زیست‌گرایان را برای تشکیل سازمان رسمی و قانونی با شکست مواجه کرد و راهپیمایی‌های مخالفان پروژه توسط پلیس سرکوب شد (لارنا و دیگران، ۱۳۸۹: ۳۲۵-۳۲۶).

۲- غرق نمودن کشتی "جنگجویان رنگین کمان" توسط سرویس‌های امنیتی فرانسه در ۱۰ ژوئیه ۱۹۸۵؛ این کشتی در اعتراض به آزمایش سلاح‌های اتمی فرانسه در ناحیه "پاسیفیک" در بندر "اوکلند" در "نیوزیلند" لنگر انداخته بود، توسط سرویس‌های امنیتی دولت فرانسه غرق شد (گرچی، ۱۳۹۵: ۱۲۹).

۳- در سال ۱۹۵۵ دولت نیجریه، با شکنجه، غارت روستاها و اعدام رهبران "جنبش بقای مردم آگونی" تلاش نمود که اعتراضات این جنبش زیست‌محیطی بر ضد فعالیت شرکت چندملیتی شل را سرکوب کند (ساتن، ۱۳۹۷: ۱۸۴-۱۸۵).

۴- در سال ۲۰۱۳ دولت روسیه، کشتی "طلوع خورشید در شمالگان" متعلق به سازمان صلح سبز را که در اعتراض به انجام عملیات ساخت سکوی نفت "پرازولمایا" در آب‌های منطقه انحصاری اقتصادی این کشور حضور داشت، به اتهام دزدی دریایی توقیف کرد و خدمه کشتی را به زندانی در سن پترزبورگ منتقل نمود (magiran.com/article/2841677,1392).

۳-۴- سطوح دخالت دولت‌ها در عرصه‌های زیست‌محیطی

در مورد سطوح دخالت دولت‌ها در عرصه‌های زیست‌محیطی سه رویکرد مختلف ارائه شده است؛ رویکرد نخست، بر نقش اساسی دولت در امر حفاظت از محیط‌زیست (رویکرد دولت محور) تأکید می‌کند. رویکرد دوم، بر نقش حداقلی و مبتنی بر بدبینی به نهاد دولت در زمینه حفاظت از محیط‌زیست استوار است (رویکرد بدون دولت)؛ رویکرد سوم، رویکردی همکاری‌گرایانه در امر حفاظت از محیط‌زیست است. در این رویکرد، ضمن تعدیل دو دیدگاه پیشین، بر مشارکت هم‌زمان بازیگران دولتی و غیر دولتی در امر حفاظت از محیط‌زیست تأکید می‌شود (رویکرد مشارکتی) (مشهدی، ۱۳۹۵: ۶۱-۶۲).

امروزه، دولت ضمن توجه به گروه‌های زیست‌محیطی و ایجاد فضای مناسب برای فعالیت آنها، سیاست‌ها و برنامه‌هایی را برای مقابله و حل مسائل زیست‌محیطی در دستور کار خود قرار می‌دهد. از جمله مهمترین برنامه‌های دولت در زمینه محیط‌زیست، عبارتند از:

۱-۳-۴- ایجاد سازمان حفاظت از محیط‌زیست

گسترش آلودگی‌های زیست‌محیطی باعث شد که ابتدا در برخی از کشورهای پیشرفته و صنعتی و سپس در سطح جهان، اقداماتی برای جلوگیری از آلودگی محیط‌زیست صورت گیرد. در سال ۱۹۷۰ "سازمان حفاظت از محیط‌زیست" در آمریکا تأسیس شد تا مسئولیت کنترل و توسعه قوانین و سیاست‌های رسمی دولت در محافظت از محیط‌زیست در آمریکا را برعهده بگیرد. این سازمان به منظور اطمینان از اینکه دولت، مردم و صنعت از محیط‌زیست برای نسل‌های آینده محافظت می‌کنند، به وجود آمده است و وظیفه دارد که استانداردهای لازم برای حفاظت از زمین، هوا، آب و سلامت انسان را به اجرا در آورد (https://fa.eferrit.com).

۲-۳-۴- تدوین قوانین حفاظت از محیط‌زیست

۱ Rainbow Warrior.

۲ Pacific.

۳ Auckland.

۴ New Zealand.

۵ Movement for the Survival of Ogoni.

۶ Arctic Sunrise.

۷ Prirazlomnaya.

۸ Environmental Protection Agency.

وضع و تصویب قوانین یکی از مهمترین و اصلی‌ترین مراحل در حفاظت و پیشگیری از مسائل زیست‌محیطی محسوب می‌شود که البته، نگرانی‌های سازمان‌های مردم‌نهاد زیست‌محیطی در جلب توجه دولت‌ها به این مسأله مهم، تأثیر فراوانی داشته است. از نظر تدوین قوانین و مقررات حقوقی، آمریکا یکی از کشورهای پیشرو در عرصه حفاظت از محیط‌زیست است (پورهاشمی و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۷۵). مجموعه قوانین حفاظت از محیط‌زیست این کشور به دو بخش تقسیم می‌شوند: بخش اول، شامل مجموعه قوانینی است که به کنترل آلودگی و حفظ محیط‌زیست پرداخته‌اند و توسط سازمان حفاظت از محیط‌زیست به اجرا در می‌آیند؛ و بخش دوم، مجموعه قوانینی است که به طور مستقیم‌تر به حفظ حیات وحش و دیگر منابع طبیعی می‌پردازند و توسط وزارت کشور اجرا می‌شوند. این سازمان‌ها، قوانین حفاظت از محیط‌زیست را با روش‌های گوناگونی از قبیل مجازات‌های مدنی و کیفری اجرا می‌کنند (همان: ۱۷۶).

۳-۳-۴- فرهنگ‌سازی

از اقدامات مؤثر دولت‌ها برای حفاظت از محیط‌زیست، فرهنگ‌سازی و تبدیل جوانان به دوستداران و حافظان محیط‌زیست است. از جمله می‌توان به "برنامه مدافعان محیط‌زیست" برای آموزش و توانمندسازی دانش‌آموزان از کودکان تا کلاس ششم دبستان در لس‌آنجلس با شعار "صیانت از محیط‌زیست در جایی که زندگی می‌کنیم"، اشاره نمود همچنین اداره پارک‌های ملی آمریکا، به منظور آشنایی بیشتر کودکان، نوجوانان و جوانان با طبیعت، برنامه‌های متعدد و متنوعی به صورت فعالیت‌های داوطلبانه برای سنین بین ۵ تا ۲۵ سال ایجاد کرده است (لطفیان و نصری، ۱۳۹۷: ۱۱۵-۱۱۶).

۴-۳-۴- حمایت از محیط‌زیست در چارچوب اقتصاد سبز

دولت‌های توسعه یافته تلاش می‌کنند به منظور حفاظت از محیط‌زیست، از مدل سنتی توسعه فاصله بگیرند و با رویکرد جدیدی، مقدمات تحقق "اقتصاد سبز زیست‌محیطی" را فراهم نمایند. هدف از اقتصاد سبز، کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای، حفاظت از منابع طبیعی، و تحقق عدالت اجتماعی و فردی جهت مبارزه با نابرابری‌ها می‌باشد. کاهش گازهای گلخانه‌ای یکی از مهمترین اهداف اقتصاد سبز محسوب می‌شود (رمضانی قوام آبادی، ۱۳۹۳: ۱۲۰).

۵-۳-۴- وضع مالیات سبز

یکی دیگر از شیوه‌های حفاظت از محیط‌زیست توسط دولت، استفاده از ابزارهای مالی است. در سال ۱۹۲۰، پیگو^۱ دانشمند انگلیسی نظریه‌ای ارائه داد که بر اساس آن، منبع آلود کننده باید بر اساس مقدار نهای خسارتی که به محیط‌زیست وارد می‌کند، مالیات پردازد. این نوع مالیات، اصطلاحاً "مالیات سبز"^۲ نامیده می‌شود. مالیات سبز بر واحدهای اقتصادی تحمیل می‌شود و باعث می‌شود که این واحدها به منظور حفظ کارایی تولید، هزینه‌ها را کاهش دهند که در نتیجه آن، آلودگی محیط‌زیست نیز کاهش می‌یابد. همچنین، مالیات سبز باعث افزایش ابداع و نوآوری در واحدهای اقتصادی می‌شود و کارخانه‌های صنعتی را وادار می‌کند تا اصلاحاتی را در تمام ابعاد مختلف انجام دهند؛ به گونه‌ای که میزان انتشار آلودگی با حداقل هزینه‌ها کاهش یابد (سیدنژاد فهیم و اقدامی، ۱۳۹۰: ۹۲-۹۵).

۶-۳-۴- ترویج شهروندی سبز یا شهروندی محیط‌زیستی

^۱ Environmental Defenders Program.

^۲ Pigou.

^۳ Green Tax.

دولت‌ها به منظور افزایش نقش شهروندی در مقابله با مشکلات محیط‌زیستی و تغییر رفتار و عادات محیط‌زیستی شهروندان، جلوگیری از اتلاف بیش از حد منابع در جامعه و تداوم توسعه اقتصادی جامعه، مفهوم شهروندی زیست‌محیطی را ایجاد کردند تا از این طریق شهروندان را به استفاده داوطلبانه از شیوه‌های سبز در زندگی روزمره خود تشویق نمایند. در شهروندی زیست‌محیطی، شهروندان می‌توانند با رأی دادن در انتخابات، عضویت در گروه‌های فشار و سازمان‌های مردم‌نهاد زیست‌محیطی، فعالیت در جنبش‌های اجتماعی، استفاده از رسانه‌ها و فضای مجازی و از طریق ساختارهای سیاسی محلی، در سیاست‌گذاری تأثیرگذار باشند (لطفیان و نصری، ۱۳۹۷: ۱۱۱).

نتیجه‌گیری

در این پژوهش، جنبش‌های زیست‌محیطی متأخر از بعد جامعه‌شناسی سیاسی و براساس تئوری پلورالیسم سیاسی رابرت دال مورد با دو رویکرد خرد و کلان مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت. بر اساس رویکرد کلان، جنبش‌های زیست‌محیطی متأخر در قالب گروه‌های ذینفوذ طرفدار محیط‌زیست از طریق لابی‌گری و نفوذ بر سیاستمداران، ضمن تصویب قوانینی در جهت حفاظت از محیط‌زیست، مانع از انجام برنامه‌ها و پروژه‌هایی می‌شوند که باعث تخریب محیط‌زیست می‌گردند. همچنین، این گروه‌ها با اطلاع‌رسانی و حساس نمودن افکار عمومی نسبت به مسائل و معضلات زیست‌محیطی، امکان تحریک و بسیج افکار عمومی را برای مقابله با سیاست‌های ضد محیط‌زیستی دولت و شرکت‌های خصوصی فراهم می‌کنند و حتی در برخی موارد، با تبدیل اعتراضات مسالمت‌آمیز به اعتراضات خشونت‌بار و گاهاً غیر قابل کنترل، دولت را وادار به پذیرش خواسته‌هایشان نموده و حتی در برخی از کشورهای توسعه یافته، سازمان‌های مردم‌نهاد زیست‌محیطی با ایجاد احزاب سبز موفق شده‌اند عملاً وارد عرصه قدرت و سیاست شوند.

بر اساس رویکرد خرد، همکاری دولت با جنبش‌های زیست‌محیطی متأخر در قالب سازمان‌های مردم‌نهاد زیست‌محیطی باعث تقویت سرمایه اجتماعی، ارتقاء سطح دانش افراد جامعه، پذیرش هنجارهای جدید، و افزایش مشروعیت و امنیت دولت می‌شود. به دلیل نقش، اهمیت و جایگاه سازمان‌های مردم‌نهاد زیست‌محیطی در جامعه، دولت در مقابل آنها راهبردهای دوگانه و گاهی متضادی را در مورد این سازمان‌ها اتخاذ می‌کند. از یک سو، گاهی با تقویت و به رسمیت شناختن سازمان‌های مردم‌نهاد زیست‌محیطی و حمایت و همکاری با آنها و همچنین جذب آنها در درون ساختار حاکمیت سعی می‌کند که آنها را در درون حاکمیت جذب کند و در راستای منافع خود به خدمت بگیرد و از سوی دیگر، زمانی با برچسب زدن به آنها و سرکوب نیروهای افراطی در درون این سازمان‌ها، مانع از آن می‌شود که دولت و سیاست‌های زیست‌محیطی آن را به چالش بکشند.

به طور کلی، براساس تئوری پلورالیسم سیاسی نشان داده شد که گروه‌های متعدد و متنوع زیست‌محیطی در درون جنبش‌های زیست‌محیطی شکل گرفت که این گروه‌ها وارد رابطه قدرت با دولت شدند که این موضوع باعث شد که یک رابطه دوجانبه میان دولت و تشکل‌های زیست‌محیطی متأخر شکل بگیرد به گونه‌ای که این جنبش‌ها با محتوا، شیوه‌ها و ابزارهای مورد استفاده خود که شامل: استفاده از رسانه‌های جمعی، ائتلاف با سایر گروه‌ها، همکاری با احزاب سیاسی، حضور در مراکز خط مشی‌گذاری، اقدامات نمادین، تظاهرات اعتراض‌آمیز، اقدامات خشونت‌آمیز و غیر قانونی و نهایتاً تشکیل احزاب سبز می‌شود، وارد روابط قدرت با دولت‌ها شدند و دولت‌ها نیز با شیوه‌ها و ابزارهای مورد استفاده خود که شامل: ایجاد سازمان حفاظت از محیط‌زیست، تدوین قوانین حفاظت از محیط‌زیست، فرهنگ‌سازی، حمایت از محیط‌زیست

در چارچوب اقتصاد سبز، وضع مالیات سبز و ترویج شهروندی سبز می‌شود با جنبش‌های زیست‌محیطی متأخر وارد روابط قدرت می‌شوند.

با توجه به افزایش مسائل و مشکلات زیست‌محیطی و پیامدهای محلی، منطقه‌ای و جهانی آن و همچنین افزایش آگاهی عمومی و مطالبات افکار عمومی برای بهبود وضعیت محیط‌زیست، می‌توان گفت در آینده جنبش‌های زیست‌محیطی متأخر از لحاظ کمی رشد بیشتری می‌کنند و از لحاظ کیفی شاهد افزایش قدرت و نوفذ جنبش‌های زیست‌محیطی متأخر در عرصه سیاست و قدرت خواهیم بود. جنبش‌های مذکور به صورت احزاب سیاسی جدی‌تر به فعالیت خواهند پرداخت؛ همچنین در پارلمان به صورت فراکسیون حضور بیشتری خواهند داشت؛ از طریق مشارکت در ائتلاف‌های سیاسی در به دست گرفتن قدرت و حکومت نقش آفرینی خواهند کرد؛ ابراز مخالفت و خصومت آشکارتری با دولت‌ها خواهند داشت و از آنجا که دولت‌ها به تنهایی نمی‌توانند با مسائل و معضلات زیست‌محیطی روبرو شوند، دولت‌ها مجبور هستند که در آینده و در عرصه سیاست عملی جایگاهی را برای جنبش‌های زیست‌محیطی متأخر در نظر بگیرند و حضور آنها را به عنوان یک نیروی اجتماعی تأثیرگذار در عرصه سیاست و قدرت بپذیرند. جامعه‌شناسی سیاسی نیز در آینده‌ای بسیار نزدیک به صورت جدی‌تر بر مباحث جنبش‌های زیست‌محیطی و عملکردها و تأثیرات سیاسی آنها خواهد پرداخت.

منابع

- بحرینی، سیدحسین و فرهاد امینی. (۱۳۷۹)، نقش سازمان‌های غیر دولتی زیست‌محیطی در دستیابی به مشارکت مردمی به منظور حفاظت از محیط‌زیست در ایران، محیط‌شناسی، ۲۶، (۲۶)، ۳۵-۴۹.
- بخش‌سی، محمد رضا، کبری پیرداده بیرانوند و ملیحه فکلی. (۱۳۷۹)، بررسی رابطه سرمایه اجتماعی با رفتارهای محیط‌زیستی دانشجویان دانشگاه بیرجند، مدیریت سرمایه اجتماعی، ۴، (۳)، ۴۵۱-۴۷۳.
- بوکتین، دانیل؛ کلر، ادوارد. (۱۳۷۹)، مسائل محیط‌زیست: (نابودی ازن، گرم شدن زمین، آلودگی هوا) (علل، پیامدها، راه‌کارها)، مترجم؛ یونس کریم‌پور، ارومیه: جهاد دانشگاهی.
- بونفو، ادوارد. (۱۳۸۵)، آشتی انسان با طبیعت، مترجم؛ صلاح الدین محلاتی، چاپ دوم، تهران: نشر دانشگاهی.

- پاپلی یزدی، محمد حسین. (۱۳۷۴)، اهمیت مسأله محیط‌زیست، تحقیقات جغرافیایی، (۳۶)، ۵-۲۴.
- پورعزت، علی اصغر، هادی خانیکی، حمیدرضا یزدانی و بهاره مختاری. (۱۳۹۶)، شناسایی راهبردهای بخش دولتی در مواجهه با سازمان‌های مردم‌نهاد در فرآیند خط‌مشی‌گذاری عمومی در ایران؛ مطالعه موردی: حوزه محیط‌زیست و منابع طبیعی، سیاستگذاری عمومی، ۳، (۲)، ۹۱-۱۱۶.
- پورهاشمی، سیدعباس، پیمان نامیان و سبحان طیبی. (۱۳۹۴)، جرم‌انگاری تروریسم زیست‌محیطی؛ چالش‌ها، هنجارها و راهبردها، علوم و تکنولوژی محیط‌زیست، ۱۷، (۱)، ۱۶۷-۱۸۲.
- تقی زاده‌انصاری، مصطفی. (۱۳۸۷)، حقوق محیط‌زیست در ایران، تهران: سمت.
- جم، فرهاد. (۱۳۸۸)، دموکراسی زیست‌محیطی برای حفاظت از محیط‌زیست در حقوق بین‌الملل، راهبرد، ۱۸، (۵۰)، ۱۶۵-۱۹۹.
- حسینی، سید محمد و مهرداد محمدی. (۱۳۹۶)، واتکاوای حقوق بشر بر محیط‌زیست، حقوق بشر اسلامی، ۶، (۱۲)، ۱۲۷-۱۵۱.
- دابسون، اندرو. (۱۳۸۸)، اندیشه اجتماعی و سیاسی سبز، مترجم: محسن ثلاثی، تهران: جامعه‌شناسان.
- دبیری، فرهاد و عارف واحد ناوان. (۱۳۹۰)، رسانه‌ها و توسعه حقوق محیط‌زیست، مطالعات رسانه‌ای، ۶، (۱۳)، ۱۸۲-۱۶۵.
- دوورژه، موریس. (۱۳۷۶)، اصول علم سیاست، ترجمه سید ابوالقاسمی شریعت پناهی، ۲، تهران: دادگستر.
- ربیعی‌مندجین، محمد رضا و حسن گیوریان. (۱۳۸۴)، نقش گروه‌های ذی‌نفوذ (فشار) و احزاب در خط‌مشی‌گذاری دولتی، مطالعات علوم اجتماعی ایران، (۴)، ۴۶-۷۰.
- رحمانزاده، سیدعلی. (۱۳۸۹)، کارکرد شبکه‌های اجتماعی مجازی در عصر جهانی شدن، مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی، ۱، (۱)، ۴۹-۷۸.
- رضانی قوام‌آبادی، محمدحسین. (۱۳۹۳)، اقتصاد سبز: گامی به سوی تحقق توسعه پایدار در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، دانشنامه حقوق اقتصادی (دانش و توسعه سابق)، ۲۱، (۶)، ۱۱۴-۱۴۱.
- رضانی قوام‌آبادی، محمدحسین. (۱۳۹۰)، پیشگیری و سرکوب جرایم زیست‌محیطی در پرتو اقدامات سازمان‌های غیردولتی در نظام حقوقی ایران، حقوق دادگستری، ۷۵، (۷۵)، ۱۹۹-۲۲۶.
- رهبر، عباسعلی و فاطمه حیدری. (۱۳۹۰)، تأثیر سرمایه اجتماعی بر ارتقاء سیاستگذاری، مطالعات روابط بین‌الملل، ۴، (۱۴)، ۲۱۹-۲۵۳.
- ساتن، فلیپ‌دبلیو. (۱۳۹۷)، درآمدی بر جامعه‌شناسی محیط‌زیست، مترجم: صادق صالحی، چاپ سوم، تهران: سمت.
- سردارنیا، خلیل‌الله. (۱۳۸۸)، اینترنت، جنبش‌های اجتماعی جدید و بسیج اعتراض‌ها (بررسی نظری و مصداقی چند جنبش اجتماعی)، پژوهش‌های ارتباطی، ۱۶، (۴)، ۱۵۱-۱۷۶.

- سلیمان‌پور عمران، محبوبه، محمد حسین یارمحمدیان و نرگس کشتی آرای. (۱۳۹۴)، اعتبار یابی الگوی برنامه‌درسی بین رشته‌ای آموزش سواد زیست‌محیطی در نظام آموزشی متوسطه ایران، پژوهش در برنامه‌ریزی درسی، ۱۲، (۲۰)، ۲۸-۴۲.
- سیمبر، رضا و محمد رفیعی. (۱۳۹۷)، ماهیت جنبش‌های زیست‌محیطی در قلمرو اتحادیه اروپا، *روابط بین‌الملل*، ۸، (۴)، ۲۷۷-۳۱۳.
- صالحی، سید حسین، عباس خلجی و احمد باصری. (۱۳۹۴)، تأثیر سازمان‌های مردم‌نهاد بر مؤلفه‌های امنیت، *مدیریت بحران*، ۷، (۲۶)، ۳۱-۵۶.
- صالحی، صادق و امامقلی، لقمان. (۱۳۹۷)، «تحلیل اجتماعی عدم موفقیت در مردمی کردن مسأله محیط زیست در ایران»، *مطالعات جامعه‌شناختی*، دوره ۲۵، شماره ۱، صص ۱۳۹-۱۶۲.
- عبداللهی، احمد و محمدتقی ایمان. (۱۳۸۵)، ارزیابی کارکرد اجتماعی سازمان‌های غیردولتی با نمونه سازمان‌های زیست‌محیطی در ایران، *رفاه اجتماعی*، ۶، (۳۳)، ۲۷۷-۳۰۱.
- عبدی، زینب. (۱۳۹۳)، نقش و کارکرد رسانه‌های جمعی در طرح مسائل زیست‌محیطی، *رفاه اجتماعی*، ۱۴، (۵۵)، ۳۱۵-۳۵۰.
- قوام، سید عبدالعلی. (۱۳۸۴)، سیاست بین‌الملل و رویکرد زیست‌محیطی، *حقوق و سیاست*، ۷، (۱۴)، ۷-۲۱.
- کاستلز، مانوئل. (۱۳۸۵)، *عصر اطلاعات*، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: طرح نو.
- کویانی‌راد، مراد. (۱۳۸۸)، *بوم‌شناسی سیاسی، مطالعات راهبردی*، ۱۲، (۳)، ۲۶-۷۶.
- کوهستانی‌سورچانی، سمانه. (۱۳۹۷)، *شبکه‌های اجتماعی و جنبش‌های زیست‌محیطی (مطالعه‌ای در صفحات مجازی فارسی)*، تهران: صالحیان.
- گرجی فرد، حمیدرضا. (۱۳۹۵)، *جرم‌شناسی سبز*، تهران: میزان.
- لطفیان، سعیده و صدیقه نصری فخر داوود. (۱۳۹۷)، *سیاست‌گذاری محیط‌زیست در ایران؛ چالش‌ها و راه‌حل‌ها*، سیاست، ۴۸، (۱)، ۹۷-۱۲۱.
- مهدی، علی. (۱۳۹۵)، *دولت و محیط‌زیست: از رویکردهای بدون دولت تا رویکردهای مشارکتی، دولت پژوهی*، ۲، (۸)، ۵۹-۸۰.
- مشیرزاده، حمیرا و سیده‌فاطمه هاشمی. (۱۳۹۲)، *نقش جنبش‌های فراملی در تدبیر جهانی امور زیست‌محیطی*، سیاست، ۳۴، (۱)، ۲۱۵-۱۹۹.
- مک‌لنن، گرگور. (۱۳۸۵)، *پلورالیسم، ترجمه جهانگیر معینی*، تهران: آشیان.
- مهدوی، محمود و آذر علی‌نژاد. (۱۳۹۵)، *دموکراسی محیط‌زیستی؛ رویکرد مشارکتی در پاسخ به آسیب‌های محیط‌زیستی*، *مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی*، ۳، (۱)، ۹۳-۱۱۰.
- ناصرخاکی، حسن، علی مرشدی‌زاد و عباس کشاورز شکرکی. (۱۳۹۸)، *تحلیل جنبش جهانی محیط‌زیست در راستای تأثیرگذاری ایران در تدبیر جهانی، سیاست جهانی*، ۸، (۳)، ۱۳۳-۱۶۶.

- نژندی منش، هیبت الله و سید کمال عبداللهی اصل. (۱۳۹۴)، نقش سازمان‌های مردم نهاد در ترویج حقوق شهروندی، همایش تبیین حقوق شهروندی، ۱، ۱-۲۴.
- ویسی، هادی و اکبر مجدالدین. (۱۳۸۹)، بررسی سازوکارها و زمینه‌های مشارکت عمومی در حفاظت از محیط‌زیست، محیط‌زیست طبیعی، ۶۳، (۱)، ۹۳-۱۰۶.
- هانینگن، جان. (۱۳۹۳)، جامعه‌شناسی محیط‌زیست، ترجمه صادق صالحی، تهران: سمت.
- هریسون، کوین و تونی بوید. (۱۳۹۲)، فهم اندیشه‌ها و جنبش‌های سیاسی، مترجمان، عباسعلی رهبر، حسن صادقیان کمارعلیا و میرقاسم سیدین‌زاده، تهران: رویه.
- هیوود، آندرو. (۱۳۹۱)، مفاهیم کلیدی در علم سیاست، ترجمه حسن سعیدکلاهیو عباس کاردان، تهران: علمی و فرهنگی.

منابع لاتین

- Badruddin, Syed Tanvir (2015), Role of NGOs in The Protection of Environment, *Journal of Environmental Research And Development*, 9, (3), 91-97
- Clarck, John. (1993), *The Relationship Between the State and the Voluntary Sector*, World Bank, Human Resources Development and Operations Policy.
- Dahl, Robert A. (1971), *polyarchy; participation and opposition*, New haven: Yale university press.
- Delisle, H and o, (2005), *The role of NGOs in global health research for development*, Published: 21 February for Not-for-Profit Law, 3.
- Dhondt, Nele. (2003). *Integration of Environmental Protection into other EC Policies— Legal Theory and Practice*, Europe Law Publishing.
- Rheingold, Howard. (2002), *Smart Mobs: The Next Social Revolution*, Cambridge, MA: Perseus Publishing.
- Timmer, Vanessa (2009) "Agility and Resilience Adaptive Capacity in Friends of the Earth International and Greenpeace". *In International Organizations in Global Environmental Governance*, Edited by Frank Biermann, Bernd Siebenhner and Anna Schreyogg, 244-263. London and New York: Routledge.
- Van Der Heijden, Hein- Anton. (2006), Globalization, Environmental Movement and Political Opportunity Structure, *Organization and Environment*, 19, (1), 28-45.

منابع الکترونیکی

- آژانس حفاظت از محیط‌زیست آمریکا (EPA).
(<https://fa.eferrit.com>), 1399/11/6
- احتمال کاهش حکم فعالان سبز
<http://www.magiran.com/article/28541677>, 1392/8/13
- وال درک، راهنمای مختصر سیاست سبز
<https://Zaminian.org/>, 1397/11/7

Honkala, Cheri. (2010), *Activism and the Role of NGOs*: Stanford University Publishing,
<https://www.nhc.nl/finished-projects/participation-ngos-legislative-process-parliamentgrand-national-assembly>.